



ریشه‌ها و زمینه‌های «وفاق ملی» در دوران دفاع مقدس

## قداست یک انتخاب

دکتر سید سجاد ایزدهی

استاد فقه سیاسی و هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

یکی از نقاط عطف در دوران هشت ساله دفاع مقدس، سطح بالای وفاق و همدلی جمعی در جامعه ایرانی بود؛ تا آنجا که وجود این سطح از وفاق را می‌توان به‌عنوان یکی از دستاوردهای این دوران نیز به شمار آورد. پرسشی که در این فضا مطرح می‌شود، این است که تحقق وفاق ملی در شرایط جنگی چگونه محقق شد؟ در این خصوص می‌توان به پنج مؤلفه اشاره کرد:

در دوران هشت ساله دفاع مقدس، دشمن مشترک و مسائلی که این تهدید مشترک در جامعه ایجاد کرده بود، به دغدغه‌ای ملی بدل شد تا آنجا که نگرانی در خصوص آن به شکلی جمعی احساس می‌شد. واقعیت این است که در شرایط جنگی و بحرانی، شهروندان به رغم اختلافات جناحی، فکری و... قاعدتاً دشمن مشترک را مقدم تلقی کرده، یک وفاق و همگرایی را حاصل و علیه دشمن اقدام می‌کنند.

به رغم بهره‌مندی جامعه ایرانی از اقوام و مذاهب گوناگون، این گوناگونی به‌هیچ‌وجه مانع وفاق ملی نشد. حس حمیت و غیرت، دفاع از وطن و ناموس و... موجب شد تا مردم با وجود مشکلاتی همچون کوفتی بودن اجناس، صف‌های متعدد، تحریم و... با هم وفاق کنند؛ چراکه بر این باور بودند که با ورود دشمن به کشور، نه تنها مشکلات‌شان حل نخواهد شد بلکه به شکل مضاعف‌تری با مشکلات دست به گریبان خواهند شد. بنابراین منطقاً، مردم به این فراست رسیدند که هزینه دفاع و مبارزه با دشمن بسیار کمتر از آن بود که دشمن بر سرنوشت، جان، مال و ناموس‌شان سیطره پیدا کند.

از دیگر مؤلفه‌های اثرگذار در تحکیم وفاق ملی در دوران جنگ تحمیلی، هویت دینی و مذهبی بود البته نقش و جایگاه سایر اقلیت‌های دینی و مذهبی در جریان دفاع مقدس و حضورشان در تمام دوران جنگ تحمیلی را نباید نمی‌توان نادیده گرفت، اما فارغ از نقش اقلیت‌های دینی و مذهبی، وحدت دینی و مذهبی در جامعه ایرانی وفاق ملی را پرتنگ‌تر و مستحکم‌تر کرد چراکه قضیه جنگ تنها، دفاع از کشور نبود بلکه مقوله جنگ «دفاع مقدس» تلقی شد که قداست آن به مبارزه حق علیه باطل برمی‌گشت؛ بدین معنا که باید برای حق و علیه باطل قیام کرد. علاوه بر اینکه انقلاب اسلامی، پیش فرض بود و این انقلاب برای توسعه معرفتی و فکری‌اش اقتضا می‌کرد که منطق انقلاب اسلامی را به همه جای جهان تسری دهد.

طبیعتاً جبهه‌های ما، فارغ از اینکه مکانی برای جنگ و حیثیت رزم و تجهیزات سلاح بر آن حاکم باشد، عمدتاً بر محوریت «معنویت»، «حقانیت» و «عبادت» متمرکز بود. لذا آنان که در زمان جنگ حضور داشتند، آن را جنگی عرفانی، عبادی و با محوریت حق می دانستند. در واقع همین حقانیت و معنویت بود که همه مردم را به دور هم جمع می‌کرد، همان‌طور که باطل عده‌ای را به دور هم جمع می‌کند.

نقش و تأثیر ولایت فقیه در وحدت رویه‌ای که در دوران دفاع مقدس تجربه کردیم، نیز بسیار قابل تأمل است. انقلاب اسلامی با این پیش‌فرض تأسیس شد که ادامه حاکمیت امام معصوم (ع) در عصر غیبت است. طبیعتاً، مردم با انقلاب اسلامی، حاکمیت جامعه را به دست فقیه جامع‌الشرایطی سپرده بودند بنابراین، اگر فقیه به‌عنوان امام جامعه حکم جهاد می‌کرد، مردم به‌خاطر اطاعت از اسلام و امام، اختلافات احتمالی را کنار گذاشته و همه به تبعیت از ایشان برمی‌خاستند.

انقلاب اسلامی پس از، از بین بردن نظام طاغوتی و اخراج شاه، طبیعتاً محوریت‌اش را بر مؤلفه‌ها و مفاهیم برآمده از انقلاب اسلامی قرار داد.

دشمن با غرض و با هدف مقابله با انقلاب اسلامی به کشور حمله کرد بنابراین همه کسانی که در فرایند انقلاب اسلامی شرکت داشتند و به آن رأی داده و با حضورشان حاکمیت جمهوری اسلامی را تضمین کرده بودند، خود را در بقای آن مسئول می‌دانستند و به همین دلیل در جریان جنگ علیه دشمن باهم متحد شدند.

آخرین و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در تحکیم وفاق ملی در دوران هشت ساله دفاع مقدس به نقش و تأثیر کاریزماتیک حضرت امام خمینی (ره) برمی‌گشت؛ ایشان از این توانایی برخوردار بودند که همه مردم را به دور خود جمع کنند تا آنجا که وقتی فرمان جنگ صادر کردند همه مردم فارغ از هر فرهنگ، قوم و زبانی فرمان ایشان را لیبیک گفتند و به سوی جبهه‌های جنگ شتافتند تا از سرزمین‌شان

رجوع به ارزش‌های دفاع مقدس چطور می‌تواند ما را از گردنه‌های سخت امروز گذر دهد؟

# احیای حماسه‌ها

غلامرضا مصباحی‌مقدم

استاد فقه و فقه‌الاقصاد و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

زمان زیادی از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که جنگ هشت ساله به ملت ایران تحمیل شد. از آنجا که مردم خود برای پیروزی انقلاب قیام کرده بودند و در این مسیر، هزینه‌های بسیاری داده بودند، به کشور و نظام جمهوری اسلامی تعلق خاطر عمیقی داشتند. همین حس تعلق، نقش مهمی در یکپارچگی مردم علیه تهاجم دشمن داشت؛ به‌گونه‌ای که همه گروه‌های سنی برای دفاع از خاک‌شان شتافتند و با اشتیاق در مسیر شهادت گام برداشتند. فارغ از تبعات منفی‌ای همچون خرابی‌ها و تلفات جانی و مالی که هر جنگ برای یک جامعه به‌همراه دارد، ما در دوران هشت ساله دفاع مقدس شاهد شوهرها، ایثارها و حماسه‌هایی بودیم که عملاً مشکلات اقتصادی کشور را تحت الشعاع قرار می‌داد.

از این رو، این دوران و استراتژی‌هایی که به‌لحاظ اقتصادی در دستور کار قرار گرفت، همچنین نوع تعامل کارگزاران با مردم الگوی بسیار مهمی از جهت «همبستگی ملی» بود. مردم نسبت به دفاع از میهن و جنگ با دشمنانشان هیچ اعتراضی نداشتند و در قالب بسیج و نیروهای مردمی از ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که یک نهاد نظامی انقلابی و نوپا بود، حمایت می‌کردند. البته، در آن روزها، کار شکنی‌هایی هم اتفاق افتاد؛ به‌عنوان مثال منافقین در سال ۱۳۶۲ شورش برپا کردند و ترورهای زیادی انجام دادند. اما با وجود همه آن کارشکنی‌ها، مردم همچنان پشتیبان و حامی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بودند. متأسفانه، در دوره‌های بعد از جنگ تحمیلی ما کمتر این سطح از «همبستگی ملی» و «انسجام اجتماعی» را شاهد بودیم. بعدها نگاه‌ها و دسته‌بندی‌های سیاسی موجب انشقاق بین مردم شد و توجه‌ها از «مسائل ملی» معطوف به «مسائل جناحی و سیاسی» شد. ملت ما بعد از پیروزی انقلاب، دستاورد بسیار بزرگی کسب کرده بود و آن یک انقلاب همه جانبه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و دینی بود و همچنین استقلال و

شعار دولت وقت، در دوران دفاع مقدس این همچنان زنده نگه داریم، یعنی «انقلابی علیه باطل»، طبیعتاً همه انسان‌های حق دور هم جمع خواهند شد. اگر در زمان جنگ، فرماندهان در کنار سربازان و نیروهای بسیجی به اگر ما بتوانیم آرمان‌های انقلاب اسلامی را همچنان زنده نگه داریم، یعنی «انقلابی علیه باطل»، طبیعتاً همه انسان‌های حق دور هم جمع خواهند شد. اگر در زمان جنگ، فرماندهان در کنار سربازان و نیروهای بسیجی به

دولت به‌صورت گسترده شبکه توزیع ایجاد کرد و از مرحله واردات تا توزیع کاملاً کنترل شده پیش می‌رفت؛ مجموعه این اقدامات اقتصادی در طول دوران هشت ساله دفاع مقدس موجب شد تا از نظر تأمین مایحتاج زندگی آرامشی نسبی بر مردم و جامعه حاکم باشد تا در شرایط جنگ تحمیلی اقدام به ذخیره‌سازی نکنند. البته بودند افرادی که به احتکار و ذخیره سازی می پرداختند اما حقیقتاً تعداد آنان بسیار اندک بود؛ چون روحیه همدلی و همبستگی اجتماعی با نوع مدیریت کارگزاران در جامعه بسیار بالا رفته بود.



به عزت ملی ایران و قدرت دفاع کشور اشاره کرد؛ واقعیت این است که همه کشورهای منطقه از نظر تأمین سلاح و مهمات به قدرت‌های تولیدکننده این مهمات وابسته هستند اما به‌دنبال تلاش‌هایی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس در تولید سلاح‌های نظامی صورت گرفت، ایران نه تنها هیچ‌گونه وابستگی به کشورهای دیگر ندارد بلکه حتی از توانایی ارسال و صادرات محصولات نظامی به دیگر کشورها نیز برخوردار است. اما با این حال، برای ادامه مسیری که در دوران دفاع مقدس در زمینه همبستگی ملی در پیش گرفته بودیم و حفظ دستاوردهای عظیم آن، ما با موانعی روبه‌رو هستیم که مهم‌ترین آنها تحریم‌ها و عزم نظام سلطه جهانی در این خصوص است. از این رو، باید مجدداً همان حماسه، همبستگی و ایثار احیا شود تا دستاوردهای عظیم انقلاب و دوران دفاع مقدس استمرار پیدا کند. اما فارغ از تحریم‌ها به‌عنوان یک مساله خارجی، برای احیای حماسه‌ها، همبستگی‌ها و ایثارها در داخل نیز با موانعی مواجه هستیم که زمینه را برای غفلت از این دستاوردها فراهم می‌کند؛

نخست اینکه، در سال‌های اخیر آنچنان که

آزادی نیز از دیگر رهاوردهای انقلاب به شمار می‌آمد. مجموعه این دستاوردها برای مردم بسیار گران‌بها بود تا آنجا که حاضر بودند برای حفظ و نگهداری آن، هر نوع هزینه‌ای را بپردازند. اکنون که بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد، همچنان دستاوردهای انقلاب اسلامی از اولویت‌های جامعه ما است. این دستاوردها را می‌شود چنین برشمرد:

۱. در زمینه استقلال به‌هیچ‌کسوری نه شرق و نه غرب وابستگی نداریم. این ایده و تفکر هم به منطقه و کشورهایی همچون فلسطین، لبنان، عراق، افغانستان و یمن هم سرایت کرده است.
۲. فارغ از دستاوردهای مدنی، به‌دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، در دیگر حوزه‌ها نیز توفیقاتی حاصل شد؛ از آن جمله می‌توان به پشتناز شدن ایران در فناوری‌های پیشرفته در زمینه هوا و فضا اشاره کرد.
۳. همچنین در زمینه دانش پزشکی نیز موفقیت‌های قابل‌توجهی رقم خورد تا آنجا که به حق می‌توان ایران را در زمینه پزشکی سرآمد منطقه قلمداد کرد. در زمینه نانو و انرژی هسته‌ای نیز توفیق‌های بسیار مهم و مثال‌زدنی‌ای به‌دست آورده‌ایم.
۴. از دیگر دستاوردهای انقلاب می‌توان

## وقتی «صداقت» به صدارت می‌نشیند

چرا در دوران دفاع مقدس شاخص «سرمایه اجتماعی» و «اعتماد عمومی» به‌طور چشمگیری افزایش

عباس سلیمی‌نمین

تحلیلگر سیاسی و مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران

۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با هجوم ارتش عراق به مرزهای غرب و جنوب و همچنین حمله هوایی به چند فرودگاه ایران، جنگ تحمیلی ۸ ساله دولت عراق به رهبری صدام علیه ایران آغاز و در نهایت در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ پایان یافت. جنگ تحمیلی، همان‌طور که از نامش برمی‌آید با وجود خسارت‌ها و آسیب‌هایی که طبیعتاً به جامعه تحمیل کرد، دستاوردهای معنوی و اجتماعی بسیاری نیز به‌دنبال داشت و به همین دلیل، اکنون که حدود ۳۳ سال از پایان آن می‌گذرد، هنوز هم بازخوانی و پرداخت به دستاوردهای آن برای جامعه ضرورت دارد و چه بسا با الگوبری از این دوران، بتوان در مسیر حل بسیاری از مشکلاتی که امروز جامعه با آن دست و پنجه نرم می‌کند، گام برداشت. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جنگ تحمیلی «مشارکت مردمی» برای دفاع از کشور و به تعبیری سطح بالای «سرمایه اجتماعی» در جامعه بود تا آنجا که شاید بتوان ادعا کرد در این دوران، شاخص سرمایه اجتماعی در بالاترین وضعیت نسبت به سال‌های اخیر قرار داشته است اما پرسش اصلی اینجاست که این سرمایه اجتماعی و به تبع آن «اعتماد اجتماعی» مرهون چه پارامترهایی در جامعه بود:

عامل بعدی، اعتماد به رهبری کشور است. بی‌شک با تجاوز دشمن، مردم انگیزه لازم برای دفاع را پیدا می‌کنند اما واقعیت این است که مردم پشت رهبر و رهبرانی قرار می‌گیرند، که آنان را نسبت به خودشان صادق بدانند؛ به‌عبارتی، رهبران نظام سیاسی را در مسیر صیانت از مصالح کشور ببینند، در غیر این صورت، دفاع مردمی از کشور آنچنان که باید صورت نخواهد گرفت. بنابراین، دومین عامل «اعتماد اجتماعی» و «اعتقاد به رهبری جامعه» بود.

ملت ایران در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، گامی در مسیر استقلال برداشته بود اما دشمن با تحریک صدام درصدد توقف دستاورد جمهوری اسلامی در بحث استقلال بود؛

واقعیت این است که نخستین دلیل در خصوص سطح بالای سرمایه اجتماعی در دوران دفاع مقدس، به بحث عینیت داشتن جنگ و تشخیص دشمن در آن شرایط برای همه قشرهای جامعه برمی‌گردد؛ عینیت داشتن جنگ بدین معناست که همه افشار جامعه بتوانند جنگ و تبعات هجمه آن را لمس کنند و به همین دلیل تبعاً مشارکت در دفع مهاجم هم زیاد بود. گاهی، دشمن، دشمنی خود را بسیار پنهانی دنبال می‌کند، طبیعتاً، در این صورت تنها قشر نخبه جامعه، این نوع از دشمنی را درک می‌کنند، اما وقتی هجمه به‌شکلی فیزیکی به یک کشور صورت می‌گیرد، طبیعتاً همه افشار جامعه این هجمه فیزیکی را بخوبی درک کرده و مقابله با آن را به شکلی گسترده صورت می‌دهند.

اما مردم نسبت به این موضوع آگاه بودند و از آنجایی که برای رسیدن به این «استقلال سیاسی» تلاش کرده بودند، حفظ آن از اهمیت بسیار زیادی برایشان برخوردار بود. از این رو، حاضر بودند تا جان خود را فدای حفظ استقلال کنند و در این مسیر گام برداشتند و بسیاری در این راه مقدس به شهادت نائل شدند.

از دیگر دلایل بالا بودن سطح سرمایه اجتماعی در دوران دفاع مقدس، پیشگامی خود رهبران نظام سیاسی بود. با شروع جنگ، رهبران و کارگزاران جلوتر از دیگران به میدان و جبهه‌های جنگ شتافتند. در شورای عالی دفاع ملی، حضرت امام خمینی (ره) دو نماینده داشتند؛ آیت‌الله خامنه‌ای و مرحوم دکتر چمران؛ هر دو این بزرگواران در همان روزهای نخست هجمه صدام بلافاصله به جبهه‌ها شتافتند و در اهواز ستادی را تشکیل دادند تا از طریق آن بتوانند با هجمه مهاجم مقابله کنند. بنابراین، در زمینه مقابله با حزب بعث، رهبران نظام جلودار بودند. «پیشگامی رهبران نظام سیاسی» بعدها در حرکت‌های مردمی نیز نمودار شد. رهبران نظامی عمدتاً جلو می‌رفتند و نیروهای مردمی و بسیجی را دعوت به همراهی با خودشان می‌کردند و اینگونه نبود که خود در یک جای امن سنگر زده و به نیروهای مردمی دستور پیشروی بدهند؛ بلکه همواره خود در صف مقدم، حرکت می‌کردند.

در جریان دفاع مقدس، تفاوت فاحشی میان «هادیان جامعه» و «مردم» وجود نداشت. فرزندان بسیاری از مسئولان در خط مقدم جبهه شرکت می‌کردند و بعضاً هم به شهادت رسیدند. این قبیل